

مسکن اسلامی (مبانی نظری تا جلوه‌های عینی در گذشته و حال)

محمد نقی زاده*

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۴/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله :

۱۳۹۴/۱۲/۲۵

چکیده

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا:

و خدا برای سکونت شما منزل‌هایتان را قرارداد. (نحل: ۸۰)

مسکن از دو منظر اصلی همواره مورد توجه بوده است: یک دلیل آنکه اصلی‌ترین عنصر شهر است، و دیگر آنکه مورد نیاز و توجه همه انسان‌ها در همه مکان‌ها و زمان‌هاست؛ علاوه بر آن، به دلیل آنکه مسکن (یا خانه) نخست، مکان زندگی خانواده است و دوم، به دلیل بار هنری و زیباشناسانه آن، که هر دو بار ارزشی و فرهنگی دارند، توجه به آن و مطالعه در زمینه شناخت ویژگی‌های مطلوب مسکن همه‌گیر بوده است. در کنار این موضوعات، توجه به تجارب تاریخی و شناخت روش‌های پاسخ‌گویی به نیازهای خانواده‌ها در شرایط فرهنگی و سرزمینی متفاوت و همچنین روزآمد بودن فضاهای زندگی امروز به نحوی که پاسخ‌گوی انسان و خانواده امروز باشند، یک ضرورت است. به همین دلیل، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ سؤالاتی از جمله سؤالات زیر است: ۱. نظر اسلام، به‌ویژه در متون اصلی (به عنوان زیربنای فکری فرهنگ ایرانی) درباره مسکن چیست؟ ۲. مسلمانان و ایرانیان چه روش‌ها و فرم‌هایی را برای مسکن خویش برمی‌گزیده‌اند؟ ۳. وضعیت امروز مسکن در مقایسه با ارزش‌های فرهنگ ایرانی کدام است؟ با اذعان اینکه پاسخ دقیق و همه‌جانبه این سؤالات، بحث‌ها و تحقیقات متعدد و مستوفایی را طلب می‌کند، در این مجال در حد امکان به توضیح مطلب و اثبات لزوم توجه به این مباحث اشاره خواهد شد. طبیعی است که روش تحقیق مورد استفاده، روش تحقیق اکتشافی و تحلیلی در قسمت نخست، و روش استقرایی و تحلیلی در مباحث بعدی خواهد بود که در نهایت نیز با بهره‌گیری از روش خلاقانه به ارائه توصیه‌ها منتج خواهد شد.

کلمات کلیدی: مسکن، مسکن اسلامی، فرهنگ، مسکن ایرانی، مسکن معاصر.



مقدمه

مسکن را که اصلی‌ترین و پرتعدادترین ساختمان در هر مجتمع زیستی اعم از شهر و روستاست، شاید بتوان اصلی‌ترین عامل و هدف شکل‌دهنده کالبد و ساختار شهر نیز معرفی کرد، چراکه اولاً آنچه از شهرها صراحتاً در اختیار و تملک شهروندان است، خانه‌ها و مسکن مردمان است؛ دوم، خانه فضای تولد و رشد و بلوغ و زندگی فرد در حالت فردی یا در میان خانواده است؛ سوم، خانه محل استقرار فعالیت و رشد کوچکترین واحد اجتماعی یعنی خانواده است؛ چهارم، مسکن یکی از اصلی‌ترین و ابتدایی‌ترین عامل هویتی فرد و جامعه و زمینه‌ساز وحدت یا برعکس تفرق آنهاست. علاوه بر آن، معماری مسکن (و به عبارت بهتر، معماری متنوعی که برای خانه‌سازی ظهور می‌کند) آن را به عنوان رایج‌ترین جلوه و ذوق هنری یک جامعه به منصفه ظهور می‌رساند. به این ترتیب، اگر مقصود شناسایی ویژگی‌ها و صفات شهر و محیط زندگی اسلامی است، باید مطالعه همه ویژگی‌های مسکن به عنوان یکی از موضوعات و زمینه‌های اصلی هر نوع مطالعه مرتبط با معماری و شهرسازی، در دستور کار قرارگیرد؛ که در این مجال، سعی در پرداختن به موضوعات اصلی مرتبط با آن تحت سه عنوان اصلی «ریشه‌یابی برخی از ویژگی‌های اصلی مسکن از متون»، «مساکن (منازل) در شهرهای دوران اسلامی» و «وضعیت امروز» است؛ در خاتمه نیز «توصیه‌ها و پیشنهادهایی» به عنوان نتیجه بحث ارائه خواهد شد.

ریشه‌یابی برخی از ویژگی‌های اصلی مسکن

از متون

«مسکن»، «منزل» یا «خانه» برای مؤمن، محلی است که هم از نظر مادی (امنیت، شکل‌گیری، گسترش خانواده و رفع نیازهای اولیه)، هم از نظر روانی (آرامش و امنیت روانی و فکری) و هم از نظر معنوی (تفکر و عبادت)، نیازهای او را مرتفع می‌کند.

با عنایت به اینکه مطابق تعالیم و حیانی، زمین مهد و گهواره و سکونتگاه انسان است: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا: آیا ما زمین را مهد آسایش خلق نگردانیدیم؟» (نبا: ۶)،^۱ در واقع کل جهان منزلگاه و سکونتگاه انسان است. در تفسیر آیه مبارکه ۶۴ سوره شریفه غافر «اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا: خدا [همان] کسی است که زمین را برای شما قرارگاه ساخت» (غافر: ۶۴)، مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: «خدای تعالی، در این آیه، این نعمت را به رخ انسان‌ها می‌کشد که آنان را در زمین و در زیر آسمان جای داد و این خانه مسقف را منزلگاه ایشان کرد» (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۳۱/۳۴). و در تفسیر آیه مبارکه «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا: و خدا برای سکونت شما منزل‌هایتان را قرارداد» (نحل: ۸۰) می‌فرماید: «کلمه مسکن به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن سکونت [و آرامش] یابد. و معنایش این است که: خدا بر شما قرارداد بعضی از بیوت شما را مایه سکونت که در آن ساکن شوید، چه بعضی از بیوت قابل سکونت نیست مانند انبار هیزم» (همو، ۱۳۵۴: ۲۱۷/۲۴). درباره «سکینه» و معنای آن که در تعریف «مسکن» نقشی اساسی ایفا می‌کند، متعاقباً نیز توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

اما، قرآن کریم چه خصوصیات و صفاتی را برای مسکنی که مناسب زندگی و حیات انسانی است، معرفی کرده است؟ در سوره مبارکه یونس آمده است: «وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّءَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ: بَنِي إِسْرَائِيلَ رَا فِي جَايْغَاهِ هَاي صِدْقٍ مَنَزَلٍ دَادِيمٍ» (یونس: ۹۳). بنابراین، عبارت «مبدأ صدق» دلالت دارد که خدا به بنی اسرائیل منزلگاهی داده بود که همه منظورهایی که انسان از یک مسکن دارد، مثل خوبی آب و هوا و زمین پُرپرکت و وفور نعمت و استواری و آرامش و چیزهای دیگر، در آنجا یافت می‌شد» (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۹/۱۹۴). پس، وجود عوامل و عناصر فوق از دیدگاه قرآن، مایه تناسب و قابل قبول بودن منزل مسکونی، و به عبارت دیگر، ضرورت مسکن مطلوب برای حیات انسانی است، هرچند فقط این مسائل مادی در خانه کافی نخواهد بود. البته، خانه باید اصولی را در خود داشته باشد، از جمله اینکه خانه باید بتواند محل آرامش و زمینه ساز تجمع اهل خانواده باشد؛ باید بتواند افراد خود را در مقابل عوارض و پدیده‌های خارجی چون گرما، سرما و غیره حفظ نماید؛ و باید بتواند به عنوان وطن و مکان جاذب اهل خویش عمل کند؛ و قس علی هذا.

یکی از موضوعات قابل بررسی، این نظر است که خانه مقیاس کوچک شهر است. اصلی ترین ویژگی‌های مطرح برای شهر که از سوی حضرت ابراهیم (ع) از خداوند مسئلت شده است، عبارت‌اند از: رفاه، امنیت و نپرستیدن بت (← نقی زاده، ۱۳۹۰). اینها عموماً همان ویژگی‌هایی هستند که مرحوم علامه طباطبایی به استناد آیه فوق برای مسکن مطلوب نیز ذکر کردند.

یکی دیگر از موضوعاتی که امروزه از آن بسیار صحبت می‌شود و سابقه‌ای از آن در کلام الهی آمده است، موضوع رابطه خانه (محل زندگی و حیات) با محیط، و به عبارت دیگر، تنظیم شرایط محیط زندگی با نیازهای فیزیولوژیکی انسان است. «وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ» (کهف: ۱۷). این آیه کریمه، جهت گیری غار اصحاب کهف را مشخص می‌دارد: و آفتاب را که وقتی طلوع می‌کند از طرف غار آنان دست راست متمایل می‌شود و در نتیجه نورش به داخل غار می‌افتد و وقتی غروب می‌کند طرف دست چپ غار را قطع می‌کند و در نتیجه شعاعش به داخل غار می‌افتد و اصحاب غار در فضای وسیع غار قرار دارند که آفتاب به آنان نمی‌رسد. خدای سبحان با همین بیان کوتاه این معانی را فهمانده که اولاً غار اصحاب کهف، شرقی - غربی قرار نگرفته بوده که از شعاع آفتاب فقط یک وعده استفاده کنند، یا صبح و یا بعدازظهر؛ بلکه ساختمانش قطبی بوده یعنی [چون غار در نیمکره شمال بوده] درب غار به طرف قطب جنوبی است که هم در هنگام طلوع و هم در هنگام غروب شعاع آفتاب به داخل آن می‌تابیده و ثانیاً آفتاب به خود آنان نمی‌تابیده چون از درب غار دور بودند و در فضای وسیع غار قرار داشتند، خداوند به این وسیله از حرارت آفتاب و دگرگون شدن رنگ و رویشان و پوسیدن لباس‌هایشان حفظ فرموده بود؛ و ثالثاً، در خواب خود راحت بوده‌اند؛ زیرا هوای خوابگاهشان حبس نبوده، همواره در فضای غار از طرف شرق و غرب در جریان بوده و اصحاب غار هم در گذرگاه این گردش هوا قرار داشته‌اند (طباطبایی، ۱۳۵۴: ۷۲/۲۶).





در این آیه، به‌خوبی جهت‌گیری یک واحد مسکونی که بتواند از نور خورشید حداکثر استفاده را بنماید، نشان‌دهنده شده است. از طرف دیگر، فضای وسیع و برقراری جریان هوا از مسائل دیگری است که عنوان شده و چنین فضایی است که می‌تواند سلامت و راحتی ساکنان آن را فراهم‌کند، آن‌چنان‌که برای مدتی که خداوند مقرر فرموده بود (۳۱۳ سال قمری) اصحاب کهف در آن به‌آسودگی به خواب رفته بودند.

علاوه بر آن، مدنظر داشتن آیه شریفه «الْمَ يَرَوْنَ أَنَا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ: آیا ندیدند که ما شب را تاریک برای سکون و آرامش خلق قرار دادیم» (نمل: ۸۶)، نشان‌می‌دهد که مکان‌یابی مسکن در شهر امری حساس است. به بیان دیگر، توجه به این اصل، نقش مهمی در مکان‌یابی مسکن در شهر و رابطه و هم‌جواری آن با عملکردهای پر سر و صدا و مولد آلاینده‌ها (همچون کارخانه‌ها و معابر اصلی و امثال آن) و هرآنچه به آرامش انسان خدشه وارد کند، ایفا می‌کند. این امر همچنین بر نوع استفاده از مصالح و استقرار فضاهای داخلی و رابطه آنها با یکدیگر تأثیر دارد.

ولی همگی اینها مقدمه‌ای است برای هدف عالی‌فرد یعنی عبودیت. در واقع، یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های بارز مسکن مطلوب، محل ذکر بودن آن است، اگرچه می‌توان موضوع ذکر اهل خانه را زمینه نزول برکت دانست، چنان‌که علامه طباطبایی بیان می‌کند:

خانه‌ای که ذکر خدا در آن بسیار شود برکتش بسیار می‌شود و ملائکه در آن خانه حاضر و شیطان‌ها دور می‌گردند؛ و آن خانه برای اهل آسمان‌ها آن چنان درخشنده است که ستارگان برای اهل زمین؛ و خانه‌ای که در آن قرآن خوانده‌نشود و

ذکر خدا در آن نشود برکتش کم است؛ و ملائکه از آن خانه گریزان و در عوض شیطان‌ها در آن حاضر می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۳۱/۳۴).

و در تفسیر آیه مبارکه «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا: و خدا برای سکونت شما منزل‌هایتان را قرارداد» (نحل: ۸۰)، می‌فرماید:

کلمه مسکن به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن سکونت [و آرامش] یابد. و معنایش این است که: خدا بر شما قرارداد بعضی از بیوت شما را مایه سکونت که در آن ساکن شوید، چه بعضی از بیوت قابل سکونت نیست مانند انبار هیزم (طباطبایی، ۱۳۵۴: ۲۱۷/۲۴؛ طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۹۴/۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۵۷: ۲۰۹/۳۲). و درباره ذکر و اهمیت و مصادیق و مقوم‌ها و تضعیف‌کنندگانش در مجالی دیگر به تفصیل سخن گفته‌ایم (← نقی‌زاده، ۱۳۹۱). باید توجه داشت که نوع و سبک معماری و جزئیاتی که در خانه به‌کار می‌رود، می‌تواند و باید حالت تذکر و یادآوری را در اهل خانه به وجود آورده و آن را تقویت کند.

در قرآن کریم، در آیه شریفه ۲۷ سوره مبارکه نور، مسئله اذن دخول به خانه مطرح می‌شود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا، مصلحت این حکم پوشانیدن عورات مردم و حفظ احترام ایمان است. پس وقتی شخص داخل شونده هنگام دخولش به خانه غیر، استیناس کند و صاحب‌خانه را از استیناس خود آگاه سازد و بعد داخل شده و سلام کند در حقیقت او را نسبت به خود ایمن داشته و معلوم است که استمرار این شیوه پسندیده، مایه استحکام اخوت و الفت و تعاون عمومی بر «اظهار جمیل» و «سر قبیح» است. فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ (نور: ۲۸):

اگر دانستید که احدی در خانه نیست پس داخل نشوید تا از ناحیه مالک به شما اذن داده شود؛ و منظور این نیست که سر به داخل خانه مردم کند اگر کسی را ندید داخل نشود چون سیاق آیات شاهد بر این است که همه این جلوگیری‌ها برای این است که کسی به عورات و اسرار داخلی مردم نظر نیندازد. سپس، «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ (نور: ۲۹)»، آیه مورد بحث تجویز می‌کند داخل شدن در خانه‌هایی را که برای استمتاع بنا شده و کسی در آن سکونت طبیعی ندارد مانند کاروانسراها و حمام‌ها و آسیاها و امثال، آنچه همین که برای عموم ساخته شده است خود اذن عام برای داخل شدن است (طباطبایی، ۱۳۵۶: ۱۶۱/۲۹).

اگرچه خصوصی بودن فضای خانه با حفظ حریمیت و مصون داشتن آن از اشراف امکان‌پذیر می‌گردد که توجه و رعایت این خصیصه در ساخت فضای کالبدی مفهوم آرامش را عینیت می‌بخشد، اصلی‌ترین وجه خصوصی بودن یا حرم بودن خانه به امنیت (جامع)^۲ آن مربوط می‌شود؛ بنابراین، حریم و حرمت آن می‌باید کاملاً محفوظ باشد. رسول اکرم (ص) در این مورد می‌فرماید: «خانه حرم است و هر که بی‌اجازه به حرم تو درآمد او را بکش» (نهج الفصاحه، ۱۳۷۷: ۳۳۱).

با وجود تأکید بر خصوصی بودن فضای خانه از جنبه کالبدی، در آیه مبارکه ۶۱ سوره شریفه نور می‌فرماید:

مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ، در این که خانه‌هایتان را با خانه‌های خویشاوندان و بقیه نامبردگان آورده اشاره به این است که در دین اسلام خانه‌های نامبردگان با خانه‌های خود شما

فرقی ندارد، چون در این دین مؤمنین اولیاء یکدیگرند، و در حفظ خانه و زندگی یکدیگر فرقی با خانه و زندگی خودشان نمی‌گذارند؛ آن طور که صاحب‌اختیار و سرپرست خانه خویش‌اند، خانه‌های اقربا و کسانی که شما قیّم و سرپرستی آنان را دارید و دوستان خویش را نیز سرپرستی می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۵۶: ۲۳۸/۲۹).

که این آیات تقویت روحیه تعاون و همبستگی را بین مسلمانان از طریق احساس مسئولیت نسبت به خانه و زندگی سایر مؤمنین خواستار است. مسئله مهم دیگری که در قرآن کریم در رابطه با مسکن و خانه آمده، این است که ساختن بناهایی که به عنوان سکونت مورد احتیاج نیست، نهی شده است.

در [تفسیر] مجمع‌البیان] در ذیل جمله (آیه تَعَبُّونَ) [شعراء: ۱۲۸]^۳ گفته است یعنی چیزهایی که به آن احتیاج ندارید و نمی‌خواهید در آن منزل کنید تنها عبث و لهو و لعب شما را به ساختن آن وادار کرده و گناه ساختن بنایی که از آن بی‌نیازید عبث خوانده. این را عطا از تفسیر ابن عباس روایت کرده مؤید آن خبری است که از انس بن مالک رسیده که گفت: روزی رسول خداص بیرون شد و در راه قبه‌ای دید، پرسید: این چیست؟ اصحابش عرضه داشتند: کاخی است از انصار؛ حضرتص مقداری ایستاد تا صاحب قبه بیامد و سلام کرد، رسول خداص در حضور همه مردم از او روی بگردانید؛ مرد به خیال آن که آن جنابص متوجه نشده چند بار سلام خود را تکرار کرد؛ و حضرتص روی بگردانید؛ تا مرد به خوبی فهمید که آن جنابص از وی خشمگین است و از او روی گردان شده؛ قضیه را به اصحاب آن جنابص بگفت: که به خدا سوگند، نظر رسول خدا (ص) از من بگشته و





نمی‌دانم چه خلافی از من سرزده و چه شده؟ گفتند: رسول خداص قبه تو را دید؛ و از ما پرسید: این مال کیست؟ ما گفتیم که از فلانی است. پس مرد به قبه‌اش برگشته آن را با زمین یکسان کرد. روزی دیگر رسول خداص از آنجا عبور کرد و قبه‌ای ندید پرسید: قبه‌ای که در اینجا بود چه شد؟ گفتند: صاحبش از اعراض تو نزد ما شیکوه کرد و ما سبب اعراض را به وی گفتیم؛ رفت و قبه را خراب کرد. حضرتص فرمود: هر چیزی که ساخته شود روز قیامت وبال صاحبش می‌باشد مگر آن مقداری که چاره‌ای از آن نیست (همان: ۱۷۹/۳۰).

در روایتی در همین مورد از حضرت رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «خانه‌ها می‌سازید که در آن سکونت نمی‌گیرید و چیزها فراهم می‌کنید که نمی‌خورید و آرزوها دارید که بدان نمی‌رسید» (نهج الفصاحه، ۱۳۷۷: ۲۲۴).

در امر ساختن خانه‌ها نیز، چون امور دیگر، تأکید اسلام بر میانه‌روی و اعتدال و پرهیز از اسراف و تبذیر است؛ و همان‌گونه که گذشت، ساختن ابنیه بیرون از حد نیاز، لهو و لعب شمرده شده و منع گردیده است. پس، ساختن منازل مسکونی در جامعه اسلام (و از جمله شهر) می‌باید فقط بر اساس نیازهای واقعی انجام پذیرد و اصل کلی در اینجا رفع نیازهای اولیه انسانی خانواده‌هاست.

علاوه بر موارد یادشده، وجود عناصر طبیعی در خانه‌ها و نزدیک منازل مسلمانان را که امکان تماس آنان با آیات الهی را فراهم می‌کند نیز می‌توان نتیجه باورهای دینی دانست. اما آن‌گونه که در تفسیر المیزان آمده است، جنبه دیگری از مزایای خانه مناسب، وفور نعمت در محیط آن است. این

ارزش را می‌توان به دو صورت تفسیر کرد: نخست اینکه، ممکن است نظر این باشد که شهر از نظر تولیدات و فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی در مکان و موقعیتی قرار داشته باشد که از این نظر نسبتاً خودکفا بوده و ارزانی و فراوانی انواع فرآورده‌ها، زندگی در آن را مطلوب و قابل تحمل نماید. بر همین اساس، نمی‌توان افراد یا گروه‌هایی را به زندگی در شهرها و مناطقی مجبور کرد که چنین مزیتی ندارند، در حالی که چنین امکانی در مناطق دیگری موجود باشد، زیرا این کار از عدالت اسلامی به دور خواهد بود که گروهی را از دسترسی به امکانات و نعمت‌های موجود در جامعه محروم کنند.

معنای دیگری که می‌توان برای این خصوصیت خانه و محل سکونت ذکر کرد، این است که ممکن است «دسترسی» آسان و راحت مورد نظر باشد تا شخص در تأمین نیازها و مایحتاج خود دچار مشکل و نگرانی نباشد. در واقع، دسترسی راحت و سهل به امکانات، خود برای یک منزل مسکونی نعمت و برکت است. به هر حال، با عنایت به این مباحث، در کنار و مقدم بر ساخت خانه و مسکن، فراهم‌بودن شرایط سکونت و به تعبیری تأمین فعالیت‌ها و عملکردها و ساختمان‌های مورد نیاز ساکنان یک شهر یا محله، از اصلی‌ترین شرایط ایجاد مسکن مطلوب انسانی است. به عبارت دیگر، خانه‌سازی بدون تأمین شرایط زندگی و ساختمان‌ها و تأسیسات جنبی لازم برای زندگی، مقرون به صواب نخواهد بود.

استواری صفت دیگری است که مرحوم علامه طباطبایی برای منزل ذکر می‌کند. به نظر می‌رسد منظور از استواری این باشد که منزل، کوچک و حقیر و غیرقابل سکونت و ناسالم نباشد. حدیثی از

حضرت محمد(ص) روایت شده‌است که فرمودند: «سه کس اند که خدا دعایشان را نمی‌پذیرد: مردی که در خانه ویران جای گیرد و مردی که کنار راه اقامت گزیند و مردی که حیوان خود را رها کند و سپس دعا کند که خدا آن را نگهدارد» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۷۷: ۲۴۹). همچنین در روایات دیگری، پیامبر اکرم(ص) خانه وسیع را مایه خوشبختی و خانه کوچک را که جای کم داشته‌باشد، مایه بدبختی به شمار آورده‌اند (همان: ۲۵۴). و در جای دیگری، خانه وسیع را از نعمات دنیا به حساب آورده‌اند (همان: ۲۷۰)، ولی اگر این خانه وسیع و استوار بخواهد مایه تفاخر و طغیان باشد، مذموم شناخته می‌شود. «در کتاب جوامع‌الجامع و نیز در روح‌المعانی در ذیل جمله (وَ اتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ) [مریم: ۵۹] از علی(ع) روایت آورده‌اند که فرمود: پیرو شهوات کسی است که ساختمان محکم بسازد و مرکب مورد تماشای مردم سوار شود و لباس انگشت‌نما بپوشد» (طباطبایی، ۱۳۵۵: ۱۲۳/۲۷).

استواری اگر جنبه کاخ‌سازی و تفاخر بگیرد، دیگر نعمت نیست و اصولاً مؤمنان برای احتراز از غلتیدن در تفاخر و خودپسندی، همیشه به داشتن منازل با ظاهر ساده و بی‌پیرایه توصیه شده‌اند. و روایت دیگری از حضرت محمد(ص) است که فرموده‌اند: «حکایت مؤمن چون خانه‌ای است به ظاهر خراب که چون وارد آن شوی بینی پاکیزه است» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۷۷: ۵۶۴). اما معنی حقیقی استواری چیست؟ و حد مطلوب آن کجاست؟ شاید بتوان استواری یک ساختمان را میزان قابلیت آن در حفاظت انسان در مقابل شرایط سخت و ایجاد احساس امنیت در ذهن ساکنان دانست. این موضوع، به‌ویژه امروزه که فن‌آوری‌های ساخت و

مصلح و ابزار مورد استفاده در ساختمان‌ها (به اضافه مدها) مدام و به‌سرعت در حال تغییر هستند، اهمیت می‌یابد. در واقع، استواری به معنای استحکام و تغییرناپذیر بودن ساختمان نیست، بلکه در کنار استواری ساختمان، باید به انعطاف‌پذیری مسکن نیز توجهی جدی مبذول داشت.

علامه طباطبایی در تفسیر آیات کریمه ۱۲۳- ۱۴۰^۱ سوره شریفه شعرا، در توصیف قوم هود و توبیخ آنان به خاطر اسراف در شهوت (ساختن بناهای کاخ‌مانند برای تفاخر و تفریح) می‌فرماید: گویا مردم هودع در بالای کوه‌ها و نقاط بلند ساختمان‌ها می‌ساختند آن هم به بلندی کوه تا برای گردش و تفریح بدانجا شوند، بدون اینکه غرض دیگری در کار داشته‌باشند، بلکه صرفاً به منظور پُزدادن به دیگران و پیروی هوی و هوس که در این آیه ایشان را به این کارشان توبیخ می‌کند (طباطبایی، ۱۳۵۶: ۱۷۴/۳۰).

پس، ملاحظه شد که معنی استوار بودن خانه، ساختن ابنیه بزرگ و تفاخرآمیزی که خارج از حد نیاز است، نیست. ولی برعکس، خانه کوچک و ویران نیز مذموم شمرده شده‌است. لذا، می‌توان چنین استنباط کرد که خانه‌ای در حد رفع نیاز که جای کافی داشته‌باشد و البته چیزی در آن به زاید احداث نشده‌باشد و سالم و پاکیزه باشد، خانه استوار است که جزو نعمات به حساب آمده‌است.

هرچند در یک مجتمع زیستی اسلامی، همه فضاها در عین کثرت دارای وحدت بوده و در یک سری از خصوصیات مشترک هستند، از ملاحظه تعالیم اسلام و فضاهایی که این تعالیم و شیوه زیست مورد نظر آن برای پیروان خویش تعریف می‌کند و به گونه‌ای مربوط به محل سکونت انسان می‌شود، می‌توان گفت که محل سکونت انسان، و





به‌اختصار «خانه»، باید خصوصیات خاصی داشته‌باشد که با مشخصات و خصوصیات فضاهای دیگر (و حتی با ویژگی‌های پیروان سایر ادیان و فرهنگ‌ها) متفاوت است؛ و اهم آنها عبارت‌اند از: توجه به انسان، امنیت، ایمنی، محرمت، عدم اشراف، آرامش، خلوت، امکان ارتباط با طبیعت، میانه‌روی، احترام به حقوق دیگران، وحدت جامعه، احترام به خانواده، مقیاس انسانی، کلیت، هماهنگی، سلسله‌مراتب، درون‌گرایی (نسبت به فضاهای عمومی) و برون‌گرایی (نسبت به فضاهای باز خصوصی و حیاط)، تعادل، مکان‌یابی مناسب، اتخاذ سیاست‌های مناسب، بهره‌گیری از مختصات مسکن تاریخی، توجه به فرهنگ جامعه، آموزش، اصول‌گرایی، الگوسازی، جامع‌اندیشی و وحدت‌گرایی، اصلاح تلقی جامعه نسبت به معماری و قس علی‌هذا؛ که با عنایت به توضیح و معرفی آنها در مجالی دیگر (← نقی‌زاده، ۱۳۸۷)، در این فرصت به اصلی‌ترین ویژگی مسکن و خانه مطلوب که مشتق از واژه مسکن (س ک ن) است، اشاره می‌شود و آن آرامش است.

آرامش، اصلی‌ترین ویژگی مسکن

چنان‌که گذشت، اصلی‌ترین خصوصیت مورد انتظار از منزل مسکونی مطلوب، سکینه و «آرامش» است. آرامش بُعد مهمی از خصوصیات محل سکونت است که جنبه‌های متعددی را نیز دربرمی‌گیرد؛ از جمله سکوت، پاکی، سلامت و امنیت و در رأس همه، آرامش و سکینه روحی و قلبی (← طباطبایی، بی‌تا: ۱۳۸/۴؛ همو، ۱۳۶۲: ۱۸؛ همو، بی‌تا: ۳۶) علاوه بر اینها، درباره سکوت و سکون در منزل، گفتنی است که سکوت و سکون

ضرورت استراحت و خواب است که خواب نیز به نوبه خود، نه‌تنها ضرورت آرامش و تجدید قوای روانی استف که از نظر مادی و فیزیولوژیک نیز برای هضم و جذب غذا و تقویت بدن ضرورت دارد. همچنین، در تفسیر آیه شریفه ۶۴ از سوره مبارکه مؤمن آمده‌است:

آن خدای یگانه کسی است که به خاطر شما شب را تاریک کرد، تا در آن از خستگی روز که در اثر کار و کوشش و تلاش روزی عارضتان شده آرامش یابید، و روز را هم به خاطر شما قرارداد تا از فضل خدا و از پروردگارتان طلب کنید، و روزی‌تان را به دست آورید؛ و این دو (شب و روز) از ارکان تدبیر زندگی انسان‌هاست» (همو، ۱۳۶۱: ۲۳۰/۳۴).

نکته بسیار مهم در معنی «سکینه» وجه معنوی و روانی آن است (← طباطبایی، بی‌تا: ۱۳۸/۴؛ همو، ۱۳۶۲: ۱۸/همو، بی‌تا: ۳۶؛ دهخدا، ۱۳۷۸). این موضوع از کلام الهی نیز به سهولت قابل درک است که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْأَبُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا: اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرورستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است» (فتح: ۴).

بنابراین، آرامش‌یافتن در منزل جزء ارکان زندگی شمرده شده و از نعمات خداوند به حساب آمده‌است. آرامشی که ممکن است به‌ویژه در شهرها به انحای گوناگون برهم‌بخورد و خدشه‌دار شود. مسلماً، این آرامش با وجود انواع آلودگی‌ها نیز میسر نخواهد شد و یکی از عناصر مهم آلوده‌کننده محیط‌های مسکونی در شهرهای

امروزی سر و صدای بیش از حد است. کوچک و حقیربودن خانه نیز آرامش ساکنان آن را تهدید می‌کند، زیرا تراکم بیش از اندازه افراد در یک خانه مسلماً فرصت استراحت و آرامش را کمتر به افراد خانواده خواهد داد؛ و در چنین وضعی، مسلماً تفکر و محاسبه نفس و عبادت و تعلیم نیز اگر غیرممکن نباشد، حداقل بسیار مشکل خواهد بود. آسودگی خیال نیز از موجبات به وجود آمدن محیط توأم با آرامش است. این آسودگی یک جنبه مادی دارد که منبعث از وجود کار و ارزانی و وفور نعمت است و یک جنبه اجتماعی دارد و آن مسئله امنیت است. چنان‌که گذشت، رسول خدا(ص) فرمود: «خانه حرم است و هر که بی‌اجازه به حرم تو درآمد او را بکش» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۷۷: ۳۳۱). به این ترتیب، امنیت که نقش مهمی در آرامش محیط خانه دارد، از نظر اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است. البته، با تأکیدی که در اسلام در امر رعایت حقوق همسایگان آمده و با توجه به اینکه گفته شده خانه فرد مسلمان فرقی با خانه زندگی اقوام و نزدیکانش ندارد و می‌باید در حفظ و سرپرستی منزل آنان نیز چون خانه خویش بکوشد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در محدوده یک محله، امنیت متقابلی بین افراد به وجود می‌آید که هرکسی علاوه بر حفظ خانه خود، در حفظ و نگه‌داری و رعایت امنیت منازل مؤمنان دیگر نیز مقید و متعهد است.

مساکن (منازل) در شهرهای دوران اسلامی

مروری اجمالی بر شیوه زیست و عمران و توسعه شهرها در گذشته، بیانگر آن است که در آن دوران هرکس خانه خویش را خودش می‌ساخت و نسل‌ها در آن خانه یا در محله خویش می‌زیستند و در نتیجه، بین انسان و محیط و فرهنگ و تاریخ،

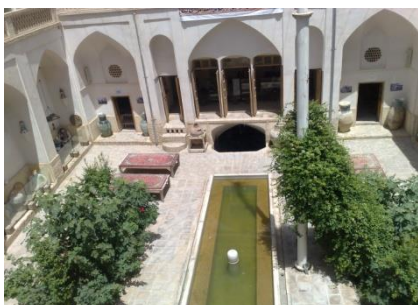
پیوندی مستحکم و یگانه برقرار بود. این به عکس شیوه رایج است که خانه را همانند کالایی خرید و فروش می‌کنند و هر خانه و محله‌ای به عنوان سکوی پرتاب به خانه و محله‌ای گرانقیمت‌تر تلقی می‌گردد.^۶

مسکن یا خانه‌های تاریخی مسلمانان از عناصر شهرهای مسلمانان است که به دلایل عدیده‌ای بیشترین حجم مطالعات و تحقیقات را به خود اختصاص داده‌است. شاید، علل آن را در وفور آثار (در بافت‌های تاریخی و روستاها)، در تفاوت و حتی تضاد آنها با معماری مسکن معاصر، در امکان زیست در آن و در انطباقش با نیازهای انسان و شرایط محیطی بتوان یافت. به عکس، برخی از عملکردها یا فضاها مثل معابر تاریخی که با اختراع ماشین، عملاً به طور عام برای زندگی امروز غیرقابل استفاده شده‌اند، مسکن تاریخی کماکان برای زندگی انسان معاصر نیز مناسب و مطلوب هستند و ترک آنها عموماً به جهت ویژگی‌های محله‌ای و موقعیت آنها در شهرها و همین‌طور به دلیل رواج مدها و تقلید و تکرار الگوهای بیگانه و وارداتی و نگرش سوداگرانه به زمین است؛ نگرش سوداگرانه‌ای که حداکثر بهره‌گیری را از زمین مد نظر دارد و تبعات منفی آن اگرچه هم‌اکنون نیز خود را نمایانده، فاجعه سال‌ها بعد تجربه و کاملاً حس خواهد شد.

به هر حال، بدون ورود در ذکر جزئیات فیزیکی و فنی و کالبدی و مصالح مسکن تاریخی، تنها به برخی از اصلی‌ترین ویژگی‌های آنها که امروزه نیز رعایت آنها در مسکن، خواست و شاید آرزوی اکثریت قریب به اتفاق مردم است، اشاره می‌شود. اهم این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: وسعت مناسب، سلسله‌مراتب فضایی، ارتباط با طبیعت از



حد از تطابق با نیازهای جسمانی و روانی‌اش باشد؛ در غیر این صورت، می‌گوییم که محل سکونت انسان خصوصیت انسانی خود را از دست داده و یا اصولاً نداشته‌است.



تصویر ۱. مسکن تاریخی ایرانیان در کاشان



تصویر ۲. مسکن تاریخی ایرانیان در یزد

در شهرهای دوران اسلامی، رعایت ملاحظات محیطی و اقلیمی به طرز چشمگیری مشهود است. شهرها به طور عام، از توسعه «آبادی»ها به وجود می‌آمدند که خود نواحی آباد و سرسبز بودند و در هر منطقه اگر می‌خواستند شهر نوینادی را پایه‌گذاری کنند، بهترین نقطه را از نظر آب‌وهوا در نظر می‌گرفتند؛ مناطق بد آب‌وهوا نیز تطابق‌دادن محیط با تمهیدات خاص در جهت دفع آلودگی و امکان سکنا البته مختص مسلمانان نبوده‌است، ولی در کشورهای اسلامی نیز از این تمهیدات و ترتیبات استفاده شده‌است. وجود آب و گیاه در محلات و در داخل منازل تقریباً امری همه‌گیر بوده‌است و این امر در هرگونه آب‌وهوایی، در شهرهای دوران اسلامی به چشم می‌خورد. به‌نظر می‌رسد که این همه تأکید بر وجود آب و

طریق تلفیق فضاهای باز و سرپوشیده، تمرکز بر درون، تنظیم سالم و طبیعی شرایط محیطی، ارتفاع مناسب، نوع و شیوه مالکیت، برقرارکردن ارتباط انسان با طبیعت، تنظیم و تفکیک قلمروها، تنوع فضایی و عملکردی، کارآیی، انعطاف‌پذیری و بسیاری از ویژگی‌هایی که برای ظهور مسکن مطلوب ضروری‌اند (تصاویر ۱ و ۲). با عنایت به بحث درباره این موضوعات در موضعی دیگر، ضمن احاله مطالعه موضوع در آن مرجع (← نقی‌زاده، ۱۳۸۷)، در اینجا به روال جاری، موضوعات مورد نظر تحت عناوین منتخب بررسی خواهند شد.

اصلی‌ترین موضوع، سکونت است که شرایط آن عبارت‌اند از: ۱. ویژگی طبیعی تنظیم شرایط محیطی؛ ۲. دسترسی به امکانات؛ ۳. امنیت. از جمله خصوصیات که یک محل سکونت و خانه خوب و مناسب برای انسان می‌تواند داشته‌باشد، نخست آب‌وهوای خوب و مناسب است. واضح است که اقلیم، آب‌وهوا، باد، رطوبت و خشکی، سرما و گرما از عناصر مؤثر در کالبد خانه‌ها هستند و انسان با عقلی که دارد (و این حتی در حیوانات هم دیده می‌شود) در مرحله اول مکان‌های مناسب با طبیعت خود را برای زندگی انتخاب می‌کند و در صورت عدم تطابق وضع محیط با طبیعت و توان جسمانی خودش، می‌کوشد با استفاده از عقل و تجربه خود و نیاکانش عوارض ناشی از عوامل مزاحم طبیعی را در خانه خود از بین برده یا حداقل از آثار آن، تا آنجا که ممکن است بکاهد. ولی در نهایت، انسان سعی در به‌وجودآوردن بهترین مکان برای زیست مطلوب دارد و این اصلی است که از نظر وضعیت آب‌وهوایی، محیط اطراف او می‌باید در بالاترین



گیاه در کنار انسان مسلمان، علاوه بر جنبه‌های محیطی و زیستی، جنبه مذهبی و اعتقادی نیز داشته‌است، چراکه قرآن کریم وجود آب و گیاه را از آیات خداوندی و نشانه وجود رحمت حق تعالی می‌داند (رعد: ۳؛ نمل: ۶۱؛ نازعات: ۳۱؛ حجر: ۱۹).

بدین ترتیب، مسلمانان، در دوران قرون وسطی به اندرون خانه و کانون خانوادگی و باغ‌های خود علاقه و وابستگی فراوان نشان می‌دادند. در آن قرون، خانه‌ها یعنی اتاق‌های متعدّد را گرداگرد صحن سرای یا باغ می‌ساختند و در وسط حیاط یا باغ، حوض یا استخری تعبیه می‌کردند، مسجدها و اماکن مذهبی، کاروانسراها و حتی خانه‌های شخصی نیز کمابیش به همین شکل ساخته می‌شدند (مظاهری، ۱۳۴۸: ۹۶).

و در مناطقی چون «فسطاط مصر یعنی قاهره» قدیم سرای‌ها به وسیله باغ و باغچه از هم جدا بود (همان: ۱۰۰-۱۰۱).

در باغ‌ها و باغچه‌های خانه‌های مسکونی، بسته به نوع اقلیم، انواع درختان و گل‌ها و همین‌طور چمن کاشته می‌شد؛ مثلاً، در عراق بیشتر خرما می‌کاشتند. در هر موضع که امکان داشت نارنج و ترنج و مرکبات غرس می‌کردند؛ ولی در ایران، از درخت چنار، تبریزی و درخت‌های میوه و سرو و کاج استفاده می‌کردند. طاووس، کبوتر، قو و اردک در اغلب باغ‌ها دیده می‌شد، و در بعضی نقاط ایران لک‌لک‌ها لانه خود را بر فراز مناره‌ها یا هواکشی تعبیه می‌کردند که ارتفاع آنها در حدود بیست برابر دودکش‌های معمولی بود (همان: ۱۰۴).

هر خانه‌ای بسته به توانایی مالی صاحب آن، از وجود آب و گیاه برخوردار بود، در این باغچه‌های خصوصی «در فاصله‌های معینی بین چمن‌های

سرسبز، گل‌های زیبایی نظیر سنبل و شقایق و لاله می‌کاشتند. سایه درخت‌های چنار، خرما، کاج، مرکبات، انار، اقاویا، توت و غیره روی چمن‌ها می‌افتاد و شمشادهایی که به طور منظم اطراف چمن کاشته شده بود چون دیواری سبز جلوه‌گری می‌کرد (همان: ۱۰۵).

در این بُعد از زندگی مسلمانان نیز دو مورد مجزاً و متضاد وجود داشت که اوضاع دیگری بر آنها حاکم بود: یکی از این موارد، خانه‌های مردم فقیر و مسکین، و دیگری کاخ‌ها و قصور باشکوه خلفا و سلاطین و متمکین و دولت‌مردان؛ که در این مورد اخیر، البته مطالب بسیار زیادی در تواریخ و سفرنامه‌ها به چشم می‌خورد و گاهی به قدری از اسراف‌کاری‌ها در این قصور توصیف شده‌است که نمی‌توان به راحتی آنها را باور کرد و بیشتر به خیالات و افسانه‌ها شبیه هستند. ولی، نکته مهم این است که بسیاری از روی غرض‌ورزی یا ناآگاهی، همین کاخ‌ها را نشانه‌های تمدن و هنر اسلامی به‌شمار آورده‌اند و اینان، به عمد یا به سهو، از زندگی بی‌پیرایه و انسانی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ص) و به‌ویژه علی (ع) چشم پوشیده‌اند؛ و گاهی به‌نظر می‌رسد که این‌گونه افراد، اسلام را از عصر خاندان بنی‌امیه به بعد تلقی می‌کنند. البته، این اشکالی اساسی است که بسیاری از مدارک و منابعی که درباره هنر و آثار اسلامی و حتی تفسیر دینی آنها سخن می‌گویند، مستشرقان و غربیان نگاشته‌اند که اینان عموماً آثار مسلمانان را با معیارهای خویش ارزیابی و تفسیر کرده‌اند (نقی‌زاده، ۱۳۸۹).

امنیت و وفور نعمت و پاکی و پاکیزگی از خصوصیات منازل مسلمانان بوده و در شهرهای دوران اسلامی به نسبت شرایط آن روزگار، بیشتر





از زمان حاضر تأمین می‌شده‌است. فقط از نظر امنیت ممکن است ادعا شود که در دنیای امروز این امنیت بیشتر برقرار است که آن هم اثبات‌پذیر نیست، زیرا در این دوران، خصوصیت و خلوت و مصونیت در برابر اشراف و امنیت و همچنین امنیت در مقابل انواع آلودگی‌های محیطی به‌شدت تنزل کرده‌است، ضمن اینکه از نظر تعداد نسبت سرقت‌هایی که از منازل می‌شود نیز نمی‌توان مطمئن بود که کمتر از گذشته باشد.

اینها مسائلی است که در شهرسازی و معماری دوران اسلامی حتی الامکان و به‌ویژه مردم مسلمان و معتقد مراعات می‌کرده‌اند و آثار آن را در ابنیه‌ای که از آنها باقی مانده می‌توان دید. مسلمانان، به طور عام، چیزی را بیهوده و از روی هوا و هوس و به بطالت نمی‌ساختند یا به ساختمان نمی‌افزودند، که البته این موضوع در مورد برخی عمارات مثل کاخ‌ها صدق نمی‌کند. لذاست که می‌بینیم ثروت‌های عجیبی صرف ساختن قصرها و کاخ‌های متعدد حکمرانان می‌شد و در داخل هر کاخ نیز ثروت‌هایی که می‌توانست گروه‌های کثیری از مردم را متحوّل کند و زندگی‌شان را سروسامان بخشد، صرف فقط تزیینات هریک از این کاخ‌ها می‌شد؛ مثلاً، آمده‌است که:

با ظرافت شگفت‌آوری تنه بعضی از درخت‌ها را با دست‌بندهای نقره و طلا تزیین می‌کردند، در قصر خلیفه بغداد چهارصد درخت خرما را که طول آنها ۴ متر بود به وسیله چوب تک^۷ طلاکاری شده، پوشانده‌بودند (مظاهری، ۱۳۴۸: ۱۰۵).

بعضی مواقع از باغ‌هایی صحبت به‌میان آمده که تمام درختان آنها از طلا بوده و پرندگانی از طلا را روی شاخه‌های آنها نصب کرده‌بودند و حتی به

جای خاک، در پای این درختان گرده‌های طلا ریخته‌بودند؛ مسلماً این اسراف‌کاری‌های بی‌حد، آثار انکارناپذیری بر زندگی توده‌های مردم می‌گذاشت؛ و حضرت علی(ع) ساختن کاخ‌ها را همراه با پدیدآمدن کوخ‌هایی دانسته، و برخورداری عده‌ای را از نعمت‌های فراوان مترادف با ضایع شدن حق‌ها و محروم شدن گروهی از نعمات می‌دانند: «ما رأیتُ نِعْمَةً مَوْفُورَةً إِلَّا وَ فِی جَانِبِهَا حَقٌّ مُضَاعَفٌ: هیچ نعمت فراوانی ندیدم مگر آنکه در کنارش حقی ضایع شده‌باشد».

جلوه‌هایی از امنیت

چنان‌که ذکر شد، «امنیت» یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های یک شهر است که به عنوان یکی از ضروریات و یکی از عالی‌ترین نعمت‌های الهی نیز مطرح است. بدون ورود در جزئیات و مراتب امنیت، در این مجال، فقط به برخی نکات مربوط به امنیت خانه یا مسکن اشاره می‌شود. مقدمتاً یادآوری می‌شود که امنیت به قلمرو فیزیکی منحصر نشده و باید به وجوه روانی، فرهنگی و معنوی امنیت نیز توجهی جدی مبذول داشت. یکی از جلوه‌ها یا از بارزترین مصادیق امنیت، امنیت حریم خانواده از دید بیگانگان بوده‌است که از آن به محرمیت یا عدم اشراف تعبیر می‌شود.

محرمیت نوعی امنیت حاصل از استقلال زندگی خصوصی مؤمنان از زندگی اجتماعی آنهاست. این امنیت ریشه در حرمت حریم خانواده‌ها و اهمیت خلوت‌گزینی دارد؛ به طوری که «این طرز تلقی از زندگی کاملاً در ساخت اکولوژیکی شهرهای اسلامی مؤثر افتاده‌است که مرزهای پردوام محلات و خانه‌ها، بن‌بست‌بودن کوچه‌ها و محلات، انتخاب نوعی استقلال در

واحدهای مسکونی و زندگی مشترک همه مردم محله، نمونه روشن آن است» (شکوهی، ۱۳۶۵: ۲۰۱). محرمیت و عدم اشراف بیگانه به منازل مسکونی نوعی امنیت اجتماعی را القا می‌کرد که ارزش‌های اسلامی را در کنار یک زندگی اجتماعی به هم تنیده و تنگاتنگ حفظ می‌کرد و شکسته شدن چنین امنیتی تا سالیان دراز در شهرهای اسلامی جزء محرّمات به حساب می‌آمد.

در صدر اسلام، و در هنگام فتح مکه مکرمه، پیامبر اسلام (ص) خانه‌ها را «مکان امن» مقرر فرمود، و تأکید فرمود که: «هرکس به محیط مسجدالحرام پناهنده شود، یا سلاح به زمین بگذارد و بی‌طرفی خود را اعلام کند، یا در خانه‌اش را ببندد، و یا به خانه ابوسفیان (یا به نقلی به خانه حکیم بن حزام) برود، از تعرض ارتش اسلام محفوظ خواهند ماند» (سبحانی، ۱۳۵۱: ۷۲۰). بعدها، این امنیت، به منازل همه مؤمنین و مسلمانان تسری یافت، به طوری که حتی اگر شخصی فراری به خانه مؤمنی پناه می‌برد، کسی حق داخل شدن به آن خانه و دستگیری او را نداشت تا وقتی که از آن خانه خارج می‌شد یا صاحب‌خانه از او سلب مصونیت می‌کرد (که بعید بود). جلوه‌های مختلف امنیت تا هنگامی که اخلاقیات و فرهنگ و عرف متأثر از اندیشه اسلامی در امر خانه‌سازی رواج داشت و همچنین خانه‌هایی با معماری خاص که این پناه‌بردن را ممکن می‌کرد وجود داشت، حتی به طور کم‌رنگ و صوری وجود داشت که با ورود فرهنگ و اخلاقیات و شیوه زیست و معماری غربی تا حدود زیادی از بین رفته است.

شاید میان همه نقش‌های خانه، امنیت و آرامش خاطر که در خانه به انسان دست می‌دهد از مهم‌ترین نقش‌های خانه باشد. میزان نگرانی،

تجانس و توافق میان خلوت‌گزینی اعضای خانواده در داخل خانه و زندگی بیرونی، در سبک و شکل خانه‌های مسلمانان، خانه‌های انگلیسی و خانه‌های مردم آمریکای شمالی با وضعی که کمتر قابل دفاع است، همه بیانگر میزان وابستگی میان معیارهای فرهنگی، ساخت فیزیکی و میزان امنیت و نگرانی صاحبان خانه‌ها و اعتبار مالی حریم خانواده‌هاست (شکوهی، ۱۳۶۵: ۵۴).

از دیگر اسنادی که می‌توان برای تأکید بر امنیت خانه‌ها آورد، حکم قرآن کریم در ممنوعیت تجسس در امور زندگی خصوصی مؤمنان است که تأکید مهمی بر محترم‌بودن حریم و امنیت خانه است؛ البته نباید تصور شود که امنیت مؤمن در محدوده منزل او ختم می‌شود، زیرا پیامبر اسلام (ص) پس از مقرر فرمودن مدینه منوره به عنوان مرکز حکومت اسلامی خود، آن شهر را برای مؤمنان و غیرمؤمنان حرم امن قرارداد. لذا، امنیت مؤمن در تمام شهر محترم است، ولی خانه از آنجا که مصالح خانوار و نه جامعه در آن خلاصه می‌شود، از این نظر اهمیت خاصی دارد، به گونه‌ای که نه خانه‌ای از منازل دیگر قابل رؤیت باشد و نه اینکه بتوان از منزلی به خانه دیگران مجال نظاره یافت. این مسئله در طراحی مناطق مسکونی در شهرهای دوران اسلامی آثار بسیاری داشته است؛ از جمله دیوارهای بلند و کوچه‌های پیچ‌درپیچ و بن‌بست و گاهی سرپوشیده و حتی کوچه‌هایی که دارای درب بوده‌اند، هشتی‌ها و ارتفاع متناسب ابنیه نسبت به یکدیگر که از اشراف خانه‌ها تا حد زیادی جلوگیری می‌کرد، همگی انعکاسی از خصوصیت و خلوت و مراتب متناسب محرمیت و امنیت در کالبد یک محله را مطرح می‌سازد.



وضعیت امروز

امروزه، نسبت به گذشته، فرم‌ها و فضاهای زیستی کاملاً دگرگون شده‌اند؛ گذشته از دگرگونی‌های ناگزیر و با گرایش به هم‌شکلی با الگوهای وارداتی و بیگانه با هویت بیگانه خویش، جامعه را نیز به از خود بیگانگی دچار کرده‌اند. علاوه بر دگرگونی‌های هویتی و فرهنگی ناشی از تکرار الگوها و فضاهای بیگانه، حتی نام‌ها و فضاهایی از قبیل آپارتمان، ویلا، سوئیت، پنت‌هاوس، هال، پنتری و امثال اینها که به همراه مدگرایی‌ها و اضمحلال فضاهای بومی رشد کرده‌اند، نوع خاصی از رفتار و فرهنگ را طلب می‌کنند.

علاوه بر اینها، از این موضوع مهم نیز نباید غفلت کرد که دائماً القا می‌شود: راهی نداریم جز کوچک‌سازی، جز آپارتمان‌نشینی، جز بلندمرتبه‌سازی، جز تقلید بی‌چون و چرا از بیگانه و از این قبیل القائات. البته، با معیارهای تفکر جاری و الگوهای پیش رو، این سخنان درست به نظر می‌رسند و قابل توجه نیز هستند. ولی در این صورت، نباید توقع داشت که ارزش‌های معنوی و فرهنگی جامعه حفظ شود و مورد احترام باشد؛ نمی‌توان انتظار داشت که پدران و مادران پیر به خانه سالمندان سپرده نشوند؛ نمی‌توان انتظار داشت که به سنت ایرانیان مسلمان در خانه همیشه به روی میهمان باز باشد؛ نمی‌توان انتظار داشت که روابط دوستانه همسایگی توسعه یابد؛ نمی‌توان توقع داشت که صلۀ رحم و دیدار نزدیکان رواج یابد؛ نمی‌توان توقع داشت که روابط اعضای خانواده گرم و صمیمانه ادامه یابد؛ نمی‌توان خانه را به عنوان مسکن و محل آرامش تلقی کرد؛ نمی‌توان

خصوصیت و خلوت مورد نیاز انسان (اعم از فرد و خانواده) را تأمین کرد؛ و بسیاری از ناتوانی‌ها که هرکدام ضربه‌ای کاری است که از سوی کالبد محیط انسان ساخته بر پیکره فرهنگ ملی وارد می‌شود؛ و همه اینها به این دلیل است که سبک زندگی گذشته ایرانی با فرهنگ غربی دگرگون و جایگزین شده‌است.

بی‌گمان، سامان‌یافتن مسکن با تغییرات شیوه زیست دگرگون می‌شود، اما بسیاری از موضوعات در سامان‌دادن «مسکن» یا به عبارت بهتر در شکل‌گیری سرپناه‌های آدمیان دوران معاصر دخالت دارند که برخی از آنها به عنوان عوامل اصلی مؤثر بر ویژگی‌های مسکن این دوران عبارت‌اند از:

استقلال گرایی افراد و زوج‌ها: مقایسه‌ای اجمالی بین دو نوع اسکان خانواده‌های کوچک (زوج‌های جوان)، یا افراد مجرد (در دو دوره مختلف) نشان می‌دهد که به‌رغم هزینه بیشتر برای تولید ساختمان و فضا در مسکن فعلی نسبت به گذشته، امکانات مادی و معنوی کمتری در اختیار ساکنان قرار می‌گیرد. در گذشته، خانه‌ای بود با چندین اتاق و یک سرویس و آشپزخانه و فضای باز مشترک بین اعضای یک خانواده بزرگ، که بسیاری با هم محرم بودند و غمخوار و یاور یکدیگر در مواقع گرفتاری و نه‌تنها برای خود، که برای همسایگان و اهل محل. هرگاه پسر یا دختری از خانواده ازدواج می‌کرد، اتاقی به خانواده جدید تعلق می‌گرفت تا چندی بگذرد و زندگی‌شان قوامی و وضع مالی‌شان قوتی گیرد. و آن‌گاه احتمالاً به خانه‌ای که غالباً در همان کوی و محله



بود کوچ می‌کردند و البته به تعبیری، همچنان سایه پدر و مادر بر سرشان بود.

اینک به تبع جوانان (teen-agerهای) غربی، تا جوانان به به سن بلوغ و دانشگاه و حداکثر به سن ازدواج می‌رسند، خواهان و مدّعی استقلال هستند که در خانه پدری جایی نیست و اگر هم باشد، امکان مفاهمه با نسل گذشته نیست و بسیاری مسائل دیگر که هیچ‌کدام مسائل جامعه ایرانی نبوده و به زور تبلیغ و تلقین به عنوان مسئله و مشکل به جامعه القا شده‌اند. برای رفع این مشکل راه‌های فراوانی تجربه شده‌است که از جمله آنها خانه‌های چهار طبقه تپ در اکثر شهرهاست با زیربنایی بین ۳۰ تا ۷۰ مترمربع؛ یعنی، سوئیت یا به عبارتی یک اتاق با مستراح و حمام و دستشویی و آشپزخانه‌ای در گوشه آن. به این ترتیب، در یک ساختمان عده‌ای زوج جوان (در آغاز) در کنار یکدیگر به طور مستقل و در سوئیت خود زندگی می‌کنند، بدون آنکه هیچ‌گونه وابستگی به یکدیگر داشته باشند؛ بدون وجود مکانی برای پذیرایی از دوستان و فامیل که حتماً به دیدار آنها می‌آیند؛ و به دور از کسانی که در موقع نیاز راهنمایی‌شان کرده و یا غمخوارشان باشند. و تازه با تولد اولین فرزند خانواده لزوم و یا بحث انتقال به مسکنی وسیع‌تر آغاز می‌شود؛ مشکلی که متأسفانه در غالب جوامع شهری و در میان اکثریت مردم رایج است. هیچ‌کس به خانه و منزل و مأوای خویش به عنوان وطن و مکانی که خواستار زندگی دایم در آن باشد نمی‌نگرد؛ هرکس آرزوی کوچ به محله‌ای دیگر را دارد و سپس تمنای مهاجرت به شهری بزرگتر و بزرگتر؛ بر اینها بیفزایید مشکلات رفت و آمد، مهد کودک، مدرسه و احساس غربت و امثال آن را.

سوداگری: مدت‌های مدیدی است که موضوعی به نام «زمین‌بازی» یا «بورس‌بازی زمین» یا نگرش به زمین به عنوان چیزی که می‌تواند زمینه سرمایه‌گذاری و احتکار و افزایش درآمد باشد، ذهن کثیری از مردمان را به خویش مشغول کرده‌است. در این فضای سوداگرانه که به چیزی جز افزایش سرمایه نمی‌اندیشد، سعی عمومی بر منطقی‌سازی و رنگ و بوی عقلانی‌دادن به موضوع و رواج و ترویج این نوع نگرش بوده‌است؛ نگرشی که همگان را به عنوان واقعی‌تی انکارناپذیر (و نه الزاماً حقیقی مطلوب)، به خویش جلب و جذب کرده‌است؛ وضعیتی که کسی را یارای نفی و طرد و اصلاح آن نیست. در حالی که در سرزمین‌های وسیعی از دنیا (حتی سرمایه‌داری) خانه‌هایی وسیع و یک‌طبقه شیوه رایجی برای تأمین مسکن است، در نقاط دیگر، این موضوع به رؤیا و یا به موضوعی غیرمنطقی تبدیل شده‌است که گریزی و گزیری از حداکثر استفاده سوداگرانه از زمین نیست.

به عنوان نمونه، روزگاری بدون برنامه و بدون تحقیق و بدون کارشناسی دقیق، به منظور کسب درآمد، تراکم فروخته شد، بدون آنکه نیازهای ساکنان و خدمات مورد نیاز و تبعات منفی آن مورد بررسی و توجه قرارگیرند. در واقع، بدون توجه به بحث سکونت و همه نیازهای آن (در بهترین تصور و حالت)، فقط به تولید مسکن (و به عبارت بهتر به کسب درآمد بیشتر برای شهرداری‌ها) توجه شد و در پایان بسیاری تبعات منفی آن شهروندان را تحت‌تأثیر قرارداد. امروزه نیز به‌رغم همه آن اشکالات و واضح و مبرهن شدن تبعات منفی آن سیاست‌ها، نسخه‌ای بسیار نازل‌تر و تحت عنوان



صحّه نهاد، بلکه تغییرات و دگرگونی‌های منطقی قابل پذیرش هستند و دگرگونی‌های غیرمعقول را باید اصلاح کرد که یکی از ابزار این اصلاحگری فراهم آوردن مکان و فضای مناسب زندگی و از جمله مسکن مطلوب است.

امروزه، به دلایل عدیده‌ای از جمله توسعه فناوری، تقلید شیوه‌های کار و فعالیت، شیدایی نسبت به زندگی جوامع دیگر، رواج مدها و تغییرات شیوه زیست زمینه‌ساز شیوه زیست، خانه (یا مسکن) را به عنوان مکان آرامش و سکینه و محل قرار و نزول به صورت محل ملاقات‌های احتمالی اعضای خانواده درآورده است



تصاویر ۳ و ۴. نمونه‌هایی از کوچه‌هایی با ساختمان‌های متراکم طرفین



تصویر ۵. نمونه‌ای از اظهارنظر مقامات رسمی درباره کیفیت ساختمان‌های جدید

تراکم تشویقی به بافت‌های فرسوده در جریان است. واحدهایی که حتی اگر ۲ تا ۳ طبقه نیز بودند، عموماً یک و حداکثر دو خانواده در آنها می‌زیست، بدون تأمین امکانات لازم (و به‌ویژه پارکینگ) تبدیل به چهار طبقه (یا چهار آپارتمان) برای چهار خانواده می‌شوند. و وضعیتی که در بسیاری از محلات قدیمی تهران (به عنوان نمونه) رایج شده است؛ کوچه‌های باریکی که در هر قطعه زمین (۴۰ تا ۱۰۰ مترمربعی) آن که قبلاً یک خانواده در آن می‌زیست، اکنون حداقل ۴ خانواده می‌زید، که البته هرکدام نیز حداقل اتومبیلی دارند، که البته به‌رغم تأکید طرح‌ها نتوانسته‌اند حتی یک فضای پارکینگ نیز تأمین کنند؛ بنابراین، طرفین خیابان‌ها و حتی طرفین کوچه‌های باریک به صورت مدام اتومبیل‌ها پارک شده‌اند، با حداقل فضای حرکت پیاده و یا فضای پارک برای مراجعین (تصاویر ۳ و ۴)؛ بر اینها بیفزایید کمبودهای شدید هرگونه امکانات مورد نیاز زندگی مطلوب را که حتی کیفیت ساختمان را نیز شامل می‌شود (تصویر ۵).

دگرگونی‌های رفتاری و فرهنگی: نباید فراموش کرد که در عین ملحوظداشتن و رعایت اصول و ارزش‌ها و حقایق ثابت، باید در جهت یافتن راه‌ها و تفاسیر و جلوه‌های مناسبی از آنها برای هر دوران و در هر سرزمین بود. نباید مصادیق مناسب و مطلوب تاریخی را به عنوان الگوی ثابت برای همه دوران‌ها و همه سرزمین‌ها و همه انسان‌ها (و فرهنگ‌ها) قابل تسری و تکرار دانست. باید توجه کرد و فضای مناسب هر شیوه زیست را خلق کرد. البته، این سخن به آن معنا نیست که باید هر شیوه زیستی را پذیرفت یا بر هر شیوه رایجی



در بسیاری از خانه‌ها، به ندرت سفره‌ای پهن (یا میزی چیده) می‌شود تا اعضای خانواده صبحانه و نهار و شام را در کنار هم صرف کنند. صبح‌ها همه دوان‌دوان به دنبال انجام ضروریات (پس از خواب شیرین و سنگین بعد از نماز صبح)^۸ و ترک خانه هستند. هنگام بازگشت نیز هرکس را اتاقی و لپ‌تاپی و هدففونی است که این ابزار نیز همچون دیواری اعضای خانواده را از یکدیگر جدا می‌کند. در غذاهای آماده یا نیم‌پخته نیز اثری از عشق آشپز (مادر، پدر یا دختر) خانواده نیست؛ حتی تلفن خانواده نیز از نوع بی‌سیم (و با بیش از یک گوشی) است و این امکان را نمی‌دهد تا لااقل برای پاسخ‌گویی به تلفن به میان جمع آمد. به هر حال، در بسیاری از موارد، آنچه از دیگران رسیده کاملاً مردود شمرده می‌شود؛ در بسیاری از موارد دیگر نیز چنان شیدایی و شیفتگی و از خودبیگانگی ظهور می‌یابد که هر آنچه را بیگانه است، در بست و بلا شرط می‌پذیرد. سخن در رد یا تأیید و حتی گزیدن راه میانه نیست؛ سخن در ارزیابی است و انتخاب راه مناسب و مطلوب برای خواسته‌های انسان‌ها و ارزش‌های فرهنگی. در این مقوله به چند مثال توجه کنیم:

به عنوان نمونه، برای پیشگیری اشراف ساختمان‌ها به داخل یکدیگر، به جای آنکه ضوابطی مثل لزوم رعایت ارتفاع کف پنجره‌ها از ۱۷۰ سانتی‌متر به بالا یا استفاده از شیشه مشجر مطرح‌شود، بهتر است که اصل عدم اشراف ساختمان‌ها به یکدیگر مطرح‌شود. در این صورت است که می‌توان امیدوار بود که راه‌حل‌ها و ایده‌های بسیار متنوعی از سوی طراحان و برنامه‌ریزان ارائه‌شود که از وضعیت موجودی که توسط یکی دو نفر به وجود آمده بسیار بهتر

خواهد بود. یا اینکه برخی افراد از آشپزخانه‌اُپن به عنوان وضعی کاملاً غیراسلامی (به صورت مطلق) یاد می‌کنند که این اظهارنظر با توجه به شرایط حاضر و خانه‌های بسیار کوچک می‌تواند صادق باشد، اما اگر سطح و نقشه‌خانه‌ها به گونه‌ای باشد که فضاها و قلمروهای میهمانان و مراجعان و اعضای خانواده تعریف شده و در جایگاه مشخص خود باشند، آن‌گاه با عنایت به وضعیت فناوری و برخی شیوه‌های زیست رایج می‌توان دید که آشپزخانه‌اُپن، که در واقع گوشه‌ای از فضایی است که هرکسی در آن به فعالیت مشغول است، فضایی غیراسلامی نخواهد بود، چراکه در گوشه‌ای از آن یکی به تماشای تلویزیون نشسته‌است، دیگری در آن سو به مطالعه مشغول است، آن دیگری روزنامه می‌خواند و مادر خانه نیز در گوشه‌ای دیگر (که همان آشپزخانه‌اُپن باشد) به پخت غذا مشغول است و با همه اعضای خانواده نیز رابطه دارد. این وضعیت با شیوه زیست جاری که حضور اعضای خانواده در خانه و باهم‌بودن‌ها را به حداقل کاهش داده‌است، یکی از بهترین وضعیت‌هاست؛ و البته شرط اولیه سطح و سازمان فضایی مسکن مطلوب و تفکیک قلمروها نباید فراموش شود.

شیوه معیشت: بسیاری از موضوعات مربوط به شیوه معیشت و فعالیت از جمله ساعات کار، فاصله و رابطه مکان کار و مسکن، ویژگی‌های زیست محیطی مکان‌های اشتغال و فعالیت و لزوم شاغل‌بودن همه اعضای خانواده برای گذران زندگی بر ویژگی‌های مسکن مطلوب تأثیر خواهد داشت. شیوه معیشت از موضوعات مؤثر بر شکل‌گیری مسکن و مکان‌یابی آن در شهر است. در نظر گرفتن همه موضوعات مربوط به شغل،





برخی را به پرداختن هزینه بیشتر، بعضی را به اختصاص زمان بیشتر برای رفت و آمد، بعضی را به پرداختن هزینه‌های بالا برای نگهداری کودکان و تهیه غذا (های آماده و نیمه آماده) و برخی دیگر را به تحمل بعضی سختی‌های دیگر مجبور می‌کند. در شهرهای بزرگ امروز شاید کمتر بتوان کسی را یافت که با پرداخت هزینه معقول و اختصاص زمان منطقی بتواند از مسکن مطلوب و دلخواه خویش برخوردار باشد و زمان مناسبی را با خانواده‌اش بگذراند؛ معمولاً یک یا چند یا همه آنها باید فدا شوند.

وسایل زندگی: تغییرات وسایل زندگی که حاصل توسعه فناوری، تحولات اقتصادی، تغییرات شیوه زیست و تبعیت از مدهای جهانی هستند، از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار روی فضاهای داخلی مسکن و تناسبات آنها هستند. روزگاری فضای هر اتاق، فضایی چندعملکردی بود که هم برای نشیمن و غذاخوردن و هم برای پذیرایی و هم برای خواب و هم برای سایر فعالیت‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما، امروزه با تثبیت مبلمان‌های حجیم و سنگین، هر اتاقی برای مقصودی خاص در زمان‌هایی محدود مورد استفاده است: اتاق خواب برای خوابیدن است؛ اتاق پذیرایی برای پذیرایی از میهمانان و قس علی‌هذا. در حالی که امروزه «فضاهای مختلف خانه‌ها مملو از مبلمان و وسایل غیرضروری است که علی‌الظاهر بدون آنها نمی‌توان زندگی کرد»، در گذشته وسایل و مبلمان محدود به سهولت قابل جابه‌جایی و برچیده شدن و برپاشدن بودند. همین وضع بود که علاوه بر انعطاف‌پذیری فضاها، پاسخ‌گوی روحیه تنوع‌طلبی انسان‌ها نیز بود.

مدها و تبلیغات: تغییرات سریع مدها و تبلیغاتی که مستقیم و غیرمستقیم شیوه خاصی از زندگی را در مقابل مردم به نمایش می‌گذارند، طبیعتاً هرکدام فضاهای خاص خود را طلب می‌کنند؛ به عنوان نمونه، فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی ویژگی‌های خاصی را برای محل زندگی به بینندگان القا می‌کنند. امروزه، این شرکت‌های چندملیتی هستند که درباره بسیاری از موضوعات زندگی مردمان و به‌ویژه جهان سوم تصمیم می‌گیرند. آنان با مدسازی‌ها و تبلیغات بسیار گسترده خود که مقاومت‌ها را در هم می‌شکنند، به مردمان القا می‌کنند چه بخورند، چه بپوشند، چگونه رفتار کنند، از چه وسایلی استفاده کنند و قس علی‌هذا. آنها حتی به مردم می‌باوراند که مهم نیست «کجا زندگی کنند، مهم این است که محصولات آنها را مصرف کنند (تصویر ۶). با القای این موضوع به مرور ممکن است که قیدهایی همچون «چگونه»، «با چه کسی»، «چطور» و امثال اینها را به جای «کجا» قرار دهند. همین روند به مرور ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی جوامع را دگرگون خواهد کرد.

تربیت: نظام تربیتی و رفتاری نیز (همچون گذشته، اما با سرعت تغییرات و تنوعی متفاوت) خانه‌ها و سازمان فضایی آنها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.



تصویر ۶. نمونه‌ای از تبلیغات رایج

توصیه‌ها و پیشنهادها

اگرچه موضوع مسکن، به دلیل وسعت و تنوع و حجم آن نیازمند تحقیقات عدیده‌ای در زمینه‌های مختلف فرهنگی، زیستی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقلیمی، هنری، فنی و اقتصادی است که به این ترتیب اظهار نظر سریع و یا ارائه الگویی ثابت برای آن را منتفی می‌کند، می‌توان به موضوعاتی کلی به عنوان توصیه‌هایی اشاره کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- با عنایت به عدم امکان تغییر اجباری شیوه زیست مردم یا الزام آنها به سکن‌گزیدن در خانه‌های مشخص، قبل از هر چیز فعالیت‌های فرهنگی به منظور معرفی ویژگی‌های مسکن مطلوب و هدایت مطالبات و خواسته‌های مردم ضرورت دارد.
- پس از آن، آموزش‌های دانشگاهی برای تعلیم و تربیت مهندسانی آشنا به فرهنگ بومی و مسکن متناسب با این فرهنگ ضرورت دارد.
- همکاری هنرمندان و برنامه‌سازان مختلف هدایت فکری جامعه برای پذیرش مسکن مطلوب، ضرورتی است که می‌تواند مکمل فعالیت‌های معماران و مهندسان باشد.
- اگر سعی بر آن باشد تا همه ساختمان‌ها چنان مستحکم بنا شوند که به سختی تخریب شوند، به‌ناچار باید از مصالح سخت استفاده شود؛ در عین حال، برای هر ساختمان عمر مفیدی متصور است که تخلیه نخاله‌های حاصل از تخریب این مصالح سخت در طبیعت (پس از عمر مفید ساختمان) فاجعه‌بار خواهد بود؛ به عنوان نمونه، فرض کنیم عمر ساختمان‌های تهران پنجاه سال باشد، پس از آن چه اتفاقی خواهد افتاد؟ پس از سپری شدن عمر

مفید ساختمان‌ها و تخریب آنها و تخلیه ضایعات و نخاله‌های ساختمانی در بیابان‌های اطراف شهر، محیط زیست کاملاً آلوده و تخریب خواهد شد و قرن‌ها زمان لازم است تا این مصالح سخت در طبیعت هضم و جذب شوند، در حالی که استفاده از مصالح سبک و قابل بازیافت یا استفاده از مصالح سختی که امکان بازیافت آنها وجود داشته‌باشد، به سلامت محیط زیست نیز کمک خواهد کرد. سبک‌سازی در حالی که به حفظ طبیعت کمک می‌کند، امکان تغییرات هماهنگ با تغییرات و تحولات شیوه زیست و فناوری را فراهم می‌کند و به همراه اینها، ضایعات و صدمات جامعه را هنگام بلایی چون زلزله تقلیل خواهد داد. از سوی دیگر، اجراهای نادرست در ساختمان‌های سنگین نقض غرض خواهد بود و مقاومت آنها در مقابل بلایای طبیعی را تقلیل می‌دهد. به این ترتیب، هم در رابطه با بلیه‌هایی چون زلزله و هم در ارتباط با حفاظت از محیط زیست، اصلح آن است که ساختمان‌های سبک و با مصالح قابل هضم در طبیعت و یا با قابلیت بازیافت بالا احداث شوند.

- توجه به مکان‌یابی مناسب مسکن و تنظیم رابطه‌اش با سایر عملکردها چنان دقیق است که حتی میزان نور جاری در فضا (در شب) نیز می‌تواند بر این موضوع تأثیرگذار باشد. توضیح اینکه یکی از انواع آلودگی‌هایی که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته‌است، آلودگی‌های نوری است. فضای مسکونی نیز باید به هنگام شب (که شب برای استراحت مقرر گردیده‌است) و استراحت و خواب ساکنان به اندازه کافی تاریک بوده و از آلودگی‌های نوری مبرا باشد. مطابق مطالعات پزشکی، یکی از اصلی‌ترین هورمون‌هایی



۸. چون ساعات کار با طبیعت هماهنگ نیست. حتی، در اقلیم ایران باید بنا به اقلیم غربیان و شیوه کار و زیست و فعالیتشان، ساعات کار را تنظیم کرد.

۹. *Melatonin*، این هورمون هورمونی است که در تاریکی ترشح می‌شود و یکی از عملکردهای آن حفاظت انسان در برابر سرطان سینه است (← Brzezinski, 1997; Reiter et al, 2007).

مراجع

۱. قرآن کریم
۲. نهج‌الفصاحه: مجموعه کلمات قصار رسول اکرم (ص) (۱۳۷۷). ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان.
۳. امین‌زاده، بهناز (۱۳۷۹). «مبانی امنیت در شهر اسلامی»، مجله پژوهش (نشریه پژوهشگاه علوم انسانی - اجتماعی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران)، ش ۴.
۴. داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۵). «ملاحظاتی در باب طرح مدینه اسلامی»، مجله آبادی، ش ۲۲.
۵. لغت‌نامه (۱۳۷۸). به کوشش علی‌اکبر دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۶. سبحانی، جعفر (۱۳۵۱). *فروع ابدیت*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. شکویی، حسین (۱۳۶۵). *جغرافیای اجتماعی شهرها (اکولوژی اجتماعی شهر)*، تهران: جهاد دانشگاهی.
۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی‌تا). *تفسیر المیزان*، ج ۴ و ۳۶، دارالعلم، قم: بی‌تا.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۵۴). *تفسیر المیزان*، ج ۲۴، تهران: محمدی.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۵۵). *تفسیر المیزان*، ج ۲۷، تهران: محمدی.

که قدرت ایمنی بدن را در برابر سرطان (یا تولید سلول‌های سرطانی) تأمین می‌کند، به نام هورمون «ملاتونین»^۹ فقط در تاریکی تولید می‌شود. به این ترتیب است که نورانی‌بودن فضا در شب (که می‌توان از آن به آلودگی نوری تعبیر کرد که امروزه یکی از اصلی‌ترین آلودگی‌ها در شهرهای بزرگ است) یکی از مواردی است که به‌رغم برخی طرح‌ها، باید از آن احتراز کرد. به بیان دیگر، فضاهای مسکونی باید در ساعات شب از تاریکی مطلوب و مورد نیاز برخوردار باشند.

أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ: هرکجا باشید شما را مرگ درمی‌یابد هرچند در برج‌های استوار باشید. (نساء: ۷۸)

پی‌نوشت

۱. همچنین، وَ الْأَرْضِ قَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ: و زمین را بگسترديم و چه نيكو مهدی بگسترديم (ذاریات: ۴۸).
۲. توجه کنیم که امنیت را مراتب و درجات و مصادیقی است که در مراجعی دیگر به آنها اشاره شده است (← امین‌زاده، ۱۳۷۹؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۰).
۳. أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ: آیا بر هر تپه‌ای بنایی می‌سازید که [در آن] دست به بیهوده‌کاری زنید (شعراء: ۱۲۸).
۴. فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفًا أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيَا: آن‌گاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباہ ساخته و از هوس‌ها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید (مریم: ۵۹).
۵. أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ: آیا بر هر تپه‌ای بنایی می‌سازید که [در آن] دست به بیهوده‌کاری زنید (شعراء: ۱۲۸).
۶. در مورد تغییر تلقی انسان معاصر نسبت به خانه و مسکن در مقایسه با جوامع گذشته ← داوری اردکانی، ۱۳۷۵.
۷. (به کسر اول)، درختی است که در چین و برمه می‌روید و بسیار محکم است.



۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۵۶).
تفسیر المیزان، ج ۲۹ و ۳۰، تهران: محمدی.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۵۷).
تفسیر المیزان، ج ۳۲، تهران: محمدی.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۱).
تفسیر المیزان، ج ۳۴، تهران: محمدی.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۲).
تفسیر المیزان، ج ۱۸ و ۱۹، تهران: محمدی.
۱۵. مظاهری، علی (۱۳۴۸). *زناگی مسلمانان در قرون وسطی، ترجمه مرتضی راوندی، تهران: مرکز نشر سپهر.*
۱۶. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۷). *شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)*، اصفهان: مانی.
۱۷. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹). *روایتی ایرانی از حکمت، معنا و مصادیق هنر، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و علوم انسانی.*
۱۸. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۰). *شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طیبیه، تهران: شهر.*
۱۹. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۱). *شهر بیداری (اصول، شیوه‌ها، جلوه‌ها)*، تهران: واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

Brzezinski, Amnon (1997). "Mechanisms of Disease: Melatonin in Humans", *The New England Journal of Medicine*, Vol. 336 (3).

Reiter, Russel; et al. (2007). "Light at Night, Chronodisruption, Melatonin Suppression, and Cancer Risk: A Review", *Critical ReviewsTM in Oncogenesis*, 13 (4).

